



«نوبت ما» را هم به عهده داشتند. خود بنده علاوه بر کارگردانی، بازیگردانی، گویندگی و بازیگری در نقش مجری، گاهی پا در کفش ناصر می‌کنم و متن هم می‌نویسم! بقیه بازیگران هم به همین ترتیب انتخاب شدند.

حتی برای سایر بازیگران برنامه از اطرافیان خودمان هر کس که بی‌ربط به این فضا بود ولی استعدادی در بازیگری داشت انتخاب کردیم.

آقای عزیز زاده فکر می‌کنید تحریریه و کارمندان بی‌بی‌سی کار شما را دیدند؟ آیا واکنشی داشتند؟

قطعا همه‌شان دیدند، در حقیقت وقتی دی‌بی‌سی پخش می‌شود کارشان را تعطیل می‌کنند و قسمت جدید ما را تماشا می‌کنند و به شوخی‌های ما می‌خندند و احتمالا بعدش هم فحش می‌دهند.

از شوخی گذشته در همان قسمت اول سیاوش اردلان اعتراف کرد ادبیات و لحن گزارشش را شبیه خودش در آوردم.

تا اینجا کار به نظرتان «دی بی سی» چقدر موفق بوده؟

جواد: البته قبلاً باید پرسید موفقیت را چی تعریف می‌کنید؟ اگر موفقیت در فضای مجازی را فالور و ویوهای چند صد هزارتایی تعریف کنیم. دی بی سی در مقابل خیلی از کارهای فضای مجازی بازدید و فالورهای کمتری دارد، ولی اگر موفقیت را رسیدن به هدف‌گذاری‌های از پیش تعیین شده بدانیم دی‌بی‌سی کار موفق محسوب می‌شود.

چون هدف ما صرفاً خنداندن و سرگرمی مخاطب نیست. وگرنه در فضای مجازی می‌شود با ویدئویی کردن یک جوک قدیمی که همه بارها و بارها شنیدیم و با چاشنی کردن دوتا شوخی ۱۸+ ویوهای چند صد هزارتایی به دست آورد.

پس با ساخت «دی بی سی» دقیقاً چه هدفی را دنبال می‌کنید؟

جواد: یکی از هدف‌های اصلی ما این بود که یک رویکرد هجومی در مقابل رسانه‌های معاند و حرفه‌ای‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها یعنی «بی بی سی» داشته باشیم. با بررسی‌هایی که کردیم به این نتیجه رسیدیم که دارایی اصلی «بی بی سی» ادبیات آن است. «بی بی سی» با ادبیات خاص خودش جای جلاد و

یوسف محبی سر ضبط یکی از قسمت‌های پیش تولید بود و صحبت از اسم آیتم به میان آمد. از ترکیب وارونه‌گویی‌های بی‌بی‌سی، اسم موقت دنده معکوس و کاراکتر دیبی در کلاه قرمزی، «دی بی سی» را پیشنهاد داد و همه متفق القول این اسم را پسندیدند.

آقای صاحبی در جایی از صحبتتان گفتید «ظاهر کار این است که آیتم است و تولیدش راحت، ولی اینطور نیست». در اینبار بیشتر توضیح بدهید.

سرعت عمل در تولید با توجه به تعداد محدود نیروی انسانی از مزیت‌های تیم ماست. البته کار به لحاظ تولیدی، اقتصادی است و نیازی به عوامل زیاد هم نیست. بچه‌های تولید هم به دور از تشریفات معمول و فیس و افاده‌های تولید، هر کاری از دست‌شان بر بیاید تا باری از دوش بقیه کم بشود انجام می‌دهند. تصویربردار قبلی‌مان آقای ادریس اسلامی علاوه بر تصویربرداری، طراح و مجری دکور برنامه دیگری به نام «نوبت ما» هم بودند. آقای رجب‌پور تصویربردار فعلی ما بازیگر نقش «رامین مجتهد» هم هستند. تهیه‌کننده فعلی علاوه بر تهیه، گویندگی و اجرای

گرفتیم. آنجا بود که گفتیم «دمت گرم آقای جلیلی که نگذاشتی این کار عجله‌ای و ضعیف منتشر شود»

چطور شد که این اسم را برای کار انتخاب کردید؟

صاحبی: قبلاً هم در باشگاه طنز انقلاب اسلامی آیتمی با فضای «بی بی سی» ساخته شده بود به نام «استودیو ملکه» با بازی علی زکریایی و اتفاقاً یکی از نویسندگانش هم ناصر جواد بود. تصور ما این بود که می‌شود نقیضهٔ بهتری از «استودیو ملکه» بسازیم. پیشنهاد من ساخت نقیضهٔ بی‌بی‌سی بود و پیشنهاد ناصر جواد این بود که قالب اخبار معکوس را. که در برنامه تلویزیونی «حرفش زن» می‌نوشت. امتحان کنیم. رویکردمان نشان دادن استانداردهای دوگانهٔ رسانه‌های معاند و وارونه روایت کردن‌شان بود. گفتیم اسمش را هم موقتاً بگذاریم «دنده معکوس». فعلاً با این اسم صدایش کنیم. یک چیزی شبیه نیوفولدر!

قالب خبر معکوس در پیش تولید خیلی جالب در نیامد. ولی رویکردمان همچنان این بود که نقیضهٔ بی‌بی‌سی باشد. دوست و همکار قدیمی‌مان آقای